

پاسخ‌های اجتماعی به بزهکاری اطفال و نوجوانان در حقوق ایران و انگلستان

حسنعلی مؤذن‌زادگان*، قدرت‌اله میرفردی**

چکیده

با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، تأکید مقنن بر پاسخ‌های جایگزین اجتماع‌مدار به اطفال و نوجوانان بزهکار، جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. این جایگزین‌های اجتماعی در مصادیقی چون تبصره بند الف ماده ۸۸ با عنوان دستورهای حین تسلیم، تصمیمات مقرر در ماده ۸۸، مجازات‌های مقرر در ماده ۸۹ ناظر به نوجوانان و تصمیمات قضایی ارفاق‌آمیز مقرر در مواد ۹۰ و ۹۴ این قانون، مبین رویکرد نوین قانون‌گذار در فاصله‌گرفتن از پاسخ‌های کیفری به این دسته از بزهکاران است. هرچند که رویکرد تقنینی مذکور در قالب سیاست جنایی اصلاح‌مدار اجتماعی، نویدبخش رویکرد قضات به سمت اعمال پاسخ‌های مبتنی بر مراقبت، اصلاح، درمان، بازپروری اطفال و نوجوانان بزهکار است، اجرای عملی و قضایی این رویکرد اصلاحی و اجتماعی، با مشکلات متعددی مواجه خواهد بود. این در حالی است که اعمال چنین پاسخ‌هایی در حقوق کیفری انگلستان متنوع بوده و در برخی مصادیق، قریب به سه دهه سابقه دارند و همچنین به لحاظ اجرایی، تجربیات و نکات کاربردی متعددی از رویکرد تقنینی و قضایی این کشور، قابل‌اتخاذ است. تبیین اینکه چه مصادیقی ذیل این پاسخ‌های اجتماعی قرار می‌گیرند و برای صدور آن‌ها چه شرایطی لازم است و همچنین ضمانت‌اجراهای هر کدام شامل چه مواردی می‌شوند، می‌تواند در مقام اجرای اثربخش این پاسخ‌های نوین، نقش بسزایی داشته باشد.

واژگان کلیدی: پاسخ‌های جامعه‌مدار، دستورات حین تسلیم، قرارهای نظارت‌مدار، تصمیمات ارفاق‌آمیز قضایی

* دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

Moazenzadegan@gamil.com

** قاضی دادگستری، دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران مرکزی) (نویسنده مسئول)

Mirfardig@gmail.com

مقدمه

از اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی در انگلستان تصمیم قضایی و عملی بر آن شد تا استفاده از پاسخ‌های غیرسالب آزادی به‌عنوان مجازات اصلی نیز ممکن باشد و بتوان آن‌ها را بر مجرمینی که جرمشان مستحق حبس نیست نیز اعمال کرد. بدین ترتیب در قانون عدالت کیفری ۱۹۹۱ مقرر شد، در جایی که مجرم، مرتکب یک جرم مستحق حبس نشده باشد، بتوان حکم به پاسخ اجتماعی صادر کرد (مهر، ۱۳۹۰: ۱۹). بنابراین به‌موجب قانون یادشده، تعداد پاسخ‌های اجتماعی جایگزین حبس در حقوق کیفری انگلستان بیشتر شده است و چنین پاسخ‌هایی زمانی اعمال می‌گردند که با توجه به شدت جرم، برای مرتکب آن مناسب‌ترین پاسخ قلمداد شوند. همچنین در قانون جرم و بی‌نظمی مصوب ۱۹۹۸ این کشور، تعداد مجازات‌های جایگزین متنوع‌تر شد و به‌موجب این قانون و دیگر قوانین مرتبط، اطفال و نوجوانان بزهکار نیز به مانند دیگر بزهکاران از پاسخ‌های اجتماعی بهره‌مند شدند. این نکته که در دهه‌های اخیر، حقوق کیفری انگلستان در برخورد با اطفال و نوجوانان بزهکار به سمت اعمال پاسخ‌های شدیدتر تمایل پیدا کرده است، نه به‌لحاظ شدیدتر شدن نوع پاسخ‌هاست، بلکه به‌لحاظ تشدید نظارت بر این مرتکبان بوده است. به‌علاوه، در کنار تنوع در نوع پاسخ‌های اجتماعی مقرر در قانون جرم و بی‌نظمی مصوب ۱۹۹۸، مداخله نهاد‌های هم‌عرض، مثل سازمان‌های حامی حقوق اطفال و نوجوانان و مددکاران را می‌توان در مجازات‌های اجتماع‌مدار مشاهده کرد که در حقوق کیفری این کشور تشریفات متعدد و متنوعی را شامل می‌شود. به‌طور کلی در نظام کیفری این کشور، مقام قضایی در مقام تعیین و اعمال پاسخ به رفتارهای بزهکارانه اطفال و

نوجوانان با یکی از پاسخ‌های اجتماعی ذیل مواجه است: ۱. انجام کارها و خدمات عمومی و عام‌المنفعه؛ ۲. قرارهای مراقبت و نظارت؛ ۳. قرار ترکیبی؛ ۴. سایر اقدامات^۲ (مهرا، ۱۳۹۳: ۴۶). بنا بر آنچه گفته شد و به بیانی دیگر، پاسخ‌های اجتماعی^۴ در حقوق کیفری انگلستان برای اطفال و نوجوانان بزهکار در قالب یکی از قرارهای ذیل قابل تعیین و اعمال است: قرارهای نظارت‌مدار، قرار بازپذیری اجتماعی، قرار مجازات اجتماعی، قرار برنامه اقدام، قرار حضور در مراکز خاص، قرار ارجاع، قرار جبران خسارت، آزادی مشروط و آزادی بدون قید و شرط.

در حقوق کیفری ایران با تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲، مقنن در قالب اقدامات تأمینی و تربیتی که در خصوص افراد ۱۵ سال و کمتر است (تحت عنوان تصمیم) و مجازات‌های خفیف ناظر به نوجوانان در جرایم تعزیری و در شرایطی جرایم مستوجب حد و قصاص، زمینه را برای اعمال پاسخ‌های اجتماع‌مدار به اطفال و نوجوانان بزهکار فراهم ساخته است. در همین راستا، مقنن در مواد ۸۸ و ۸۹ در زمان تعیین حکم و در ماده ۹۰ پس از تعیین حکم و تجدیدنظرخواهی، تصمیمات ارفاق‌آمیز نوینی را پیش‌بینی کرده و پیشرفت چشمگیری در رویکرد قانون‌گذار و تعیین پاسخ‌های جامعه‌مدار یا اجتماعی به نظر می‌رسد.

مصادیق مجازات‌های اجتماعی ناظر به اطفال و نوجوانان در چهار دسته کلی می‌گنجد: دسته اول، بندهای الف تا پ ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی، یعنی تسلیم به والدین یا اولیا یا سرپرست

1. Combination Order

منظور از قرار ترکیبی، قرار است که در اکتبر ۱۹۹۲ وارد حقوق انگلستان و ولز شده و تمامی ارکان کارهای عمومی عام‌المنفعه و قرار نظارت یا تعلیق مراقبتی را با هم جمع و ترکیب کرده است. این قرار ممکن است علیه مجرمی که ۱۶ سال یا بیشتر دارد، اعمال گردد. حداکثر مدت این قرار ۳ سال و حداقل مدت آن ۱۲ ماه تعیین شده است. وقتی قرار ترکیبی صادر گردد، نظارت بر تعلیق مراقبتی حداقل تا زمانی که کار عام‌المنفعه انجام نشده است، ادامه می‌یابد. حداقل ساعت کار عام‌المنفعه بین ۴۰ تا ۱۰۰ ساعت در نوسان است.

۲. عدالت کیفری در مقیاس کوچک‌تری از تدابیر و اقدام‌های دیگر نیز استفاده می‌کند که از جمله آن می‌توان به این تدابیر اشاره کرد: آزادی مشروط (مشروط بر اینکه محکوم‌علیه نظم عمومی را مختل نکند یا از خود حسن رفتار نشان دهد)، قرارهای مراقبت، قرارهای مبنی بر حضور اجباری در مراکز اجتماعی که مجرمین کمتر از ۲۱ سال ممکن است در آنجا به شرکت در برنامه‌ها و فعالیت‌های سازمان‌یافته در بعدازظهرهای شنبه به مدت چند هفته معین مکلف شوند. قانون راجع به عدالت کیفری ۱۹۹۱، قرار مراقبت الکترونیکی (کنترل محکوم با استفاده از وسایل الکترونیکی از راه دور) (Curfew Order) را نیز وارد این تدابیر کرده است.

۳. برای مطالعه بیشتر در خصوص اصول و کارکردهای مدنظر از مجازات‌ها به‌طور کلی؛ (نک: مهرا، ۱۳۸۶؛ نیازپور،

(۱۳۸۷)

4. Sentences in the Community

قانونی، تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگر، نصیحت به وسیله قاضی دادگاه، اخطار و تذکر یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم؛ دسته دوم، دستورات اختیاری قابل تعیین در بندهای الف و ب ماده ۸۸ که مهم‌ترین پاسخ‌های اجتماعی‌اند و در عین حال از ابهاماتی برخوردارند؛^۱ دسته سوم، همان مجازات‌هایی هستند که ناظر به نوجوانان‌اند و در ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی در برخی جرائم تعزیری قابل اعمال هستند؛ مثل انجام خدمات عمومی (در تعزیرات درجه پنج و شش)، حبس پایان هفته‌ای و اقامت در منزل (در تعزیرات ۱ تا ۵ به جای کانون و جزای نقدی)؛^۲ دسته چهارم نیز به موجب ماده ۹۰ و ۹۴ قانون مجازات اسلامی، تدابیر مبتنی بر تصمیمات ارفاق‌آمیز قضایی از قبیل تعویق، تعلیق، آزادی مشروط می‌باشند. با توجه به این دسته‌بندی از پاسخ‌های اجتماعی ناظر به اطفال و نوجوانان، سؤالاتی در ضمن این مقاله موضوع تحلیل قرار می‌گیرند: اول اینکه، نوع پاسخ‌های اجتماع‌مدار ناظر به این بزه‌کاران چه تفاوتی در حقوق ایران و انگلستان دارد. دوم اینکه با توجه به پیشرو بودن حقوق انگلستان در بُعد اجرای این پاسخ‌ها، روش‌های اجرایی موجود در این کشور تا چه اندازه در حقوق ایران قابل استفاده‌اند و در نهایت، در هر کدام از مصادیق این پاسخ‌ها به منظور تقویت اثربخشی آن‌ها، چه پیشنهادات تقنینی می‌توان ارائه داد.

با وجود این، سازکارهای عملی کردن این پاسخ‌ها مشخص نیست و گویا مقنن در تعیین آن‌ها همه سنجش‌ها و یافتن سازکارها را به نظر قاضی واگذار کرده است. در همین راستا و به منظور رفع بی‌ضابطگی در اجرایی شدن این مصادیق، پاسخ‌های اجتماعی در حقوق کیفری ایران و حقوق کیفری انگلستان ارزیابی می‌شود. هدف از ارزیابی نیز آن است که مشخص گردد که پاسخ‌های مقرر در قانون ۱۳۹۲ تا چه اندازه در اجرا با مشکلات عملی و ابهامات قانونی مواجه است. این بررسی تطبیقی می‌تواند در جهت القای نکات عملی و نیز اصلاحات تقنینی از سوی قانون‌گذار بسیار مفید واقع گردد. بر این اساس، جایگزین‌های مجازات اصلی با معنای مجازات‌های اجتماعی در قالب سه دسته اصلی تقسیم و مصادیق آن‌ها تحلیل خواهند شد: قرارهای اصلاح‌مدار، قرارهای ترمیمی و جبران خسارت و قرارهای مبتنی بر ارائه جایگزین‌های سنتی و تسهیلات قضایی.

۱. از جمله این ابهامات معلوم نبودن نهادهای متولی اجرا، نظارت بر اجرا و مشخص نشدن دقیق ضمانت اجرای تخطی از دستورات می‌باشد.

۲. در رابطه با این پاسخ اجتماعی نیز ابهامات متعددی وجود دارد؛ از جمله اینکه آیا منظور از منزل، همان محل سکونت وی است یا هر منزل دیگری. برخی معتقد به محل سکونت‌اند و برخی نیز اعتقاد دارند که منعی به نظر نمی‌رسد که دادگاه مانند در منزل دیگری را به جای منزلی که نوجوان در آن ساکن است، مورد حکم قرار دهد (زراعت، ۱۳۹۲).

۱. قرارهای اصلاح‌مدار

از جمله مصادیق پاسخ‌های جامعه‌مدار که در واکنش به بزهکاری طفل و نوجوان به‌عنوان واکنش اصلی اعمال می‌گردند، قرارها و دستورات اصلاح‌مداری هستند که در حقوق انگلستان و ایران با تأکید بر شخصیت آموزش‌پذیر و درمان‌پذیر این افراد اتخاذ می‌گردند (معظمی، ۱۳۹۴؛ احمدی، ۱۳۸۵). قرارهای اصلاح‌مدار که در حقوق کیفری ایران می‌توان به‌عنوان تصمیمات مبتنی بر اصلاح نیز از آن‌ها یاد کرد، تدابیری هستند که خود نوعی تلاش در راستای هم‌نوآوری رفتارهای طفل و نوجوان با هنجارهای اجتماعی قلمداد می‌شوند. این قرارها که در حقوق انگلستان جایگاه ویژه‌ای دارند، در حقوق ایران با عنوان کلی مصادیق مقرر در تبصره بند الف ماده ۸۸ بیان شده‌اند و در مقام تسلیم اطفال و نوجوانان به والدین یا اشخاص دیگری قابل استفاده هستند و این استفاده نیز کاملاً اختیاری است و حسب مصلحت‌سنجی مقام قضایی اعمال می‌گردد. این در حالی است که این قرارها در حقوق کیفری انگلستان با عنوان قرارهای مراقبت و نظارت^۱ در مصادیق ذیل، تشریفاتی را دارند که در ادامه مورد تبیین قرار می‌گیرند.

۱-۱. قرارهای مبتنی بر مراقبت^۲

قرار مبتنی بر مراقبت به معنای محافظت از طفل توسط یک مقام محلی^۳ و برای دوره مشخصی می‌باشد که به‌واسطه ارتکاب یک رفتار بزهکارانه بر مرتکب اعمال می‌شود. در این نهاد، تأکید بر مراقبت به اندازه‌ای است که چنانچه ضرورت داشته باشد، این مقام در این راستا می‌تواند طفل را از خانواده‌اش جدا کند. دستورات مبتنی بر مراقبت در انگلستان و ولز به‌موجب بخش ۳۱ قانون کودکان مصوب ۱۹۸۹^۴ به وجود آمده است. همچنین این قرار به‌منظور پیشگیری از بزه‌دیدگی و جهت پیشگیری از اعمال خشونت به طفل و نوجوان، به‌عنوان تکلیفی بر مقام محلی یا اجتماعی تعیین می‌گردد. نکته دیگر در انگلستان اینکه این قرار را نمی‌توان نسبت به یک نوجوان ۱۷ ساله یا بالاتر صادر کرد. پس از اجرایی شدن قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸ در انگلستان، دادگاه زمانی می‌تواند به‌صورت جزئی قرار مبتنی بر مراقبت را صادر کند که کودک مشمول قرار تأمین ایمنی کودک^۵، آن را

1. Probation and Supervision Orders

2. CARE ORDERS

3. local authority

4. Children Act 1989

۵. قرار تأمین ایمنی اطفال (child safety order): این قرار تنها برای اطفال زیر ده سالی قابل اعمال است که مرتکب

اعمالی شده‌اند که اگر بیشتر از ده سال سن داشتند، این اعمال جرم محسوب می‌شد (سن مسئولیت کیفری در انگلستان

نقض کند و آن قرار لغو شده باشد؛ بنابراین به‌عنوان ضمانت‌اجرائی بر قرار تأمین ایمنی کودک اعمال می‌گردد (Bottoms, A. & Kemp, V. 2006: 96).

یگانه معیار برای اعمال این قرار توسط دادگاه این است که آیا «نوجوان مورد نظر دچار رنج شده است یا احتمال رنج‌کشیدن او یا آسیبی مهم وجود دارد یا خیر» و اینکه آیا چنین مسئله‌ای با مراقبت صورت‌گرفته از سوی والدین مرتبط بوده یا نوجوان «خارج از کنترل والدین» قرار دارد. بر این اساس این احتمال وجود دارد که تخلف یک طفل با احتمال ورود آسیب مهم مرتبط باشد. بنابراین می‌توان دریافت که در قرار مبتنی بر مراقبت در حقوق انگلستان ملاحظات از قبیل وضعیت شخصی طفل یا نوجوان بسیار مهم است و این ملاحظات به صدور یا عدم صدور این قرار منتهی می‌شوند. در نظام کیفری ایران، بند ب ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی چنین مقرر کرده است که در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیا یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان، این افراد بزهکار به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه مصلحت بداند، تسلیم می‌شوند. بنابراین امکان جداکردن طفل یا نوجوان از خانواده به‌عنوان یک اقدام تأمینی و تربیتی قابل‌اجرا در محیط اجتماعی، آن هم با شرایطی، در حقوق کیفری ایران هم ممکن شده است. اما به‌طور کلی در حقوق کیفری ایران، مراقبت فیزیکی از طفل یا نوجوان بزهکار، آن هم به‌طور خاص و از سوی یک مقام خاص، پیش‌بینی نشده است؛ به‌عنوان مثال، سپردن طفل یا نوجوان به والدین یا اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگر در بندهای الف و ب ماده ۸۸، خود نوعی مراقبت است؛ ولی باید مدنظر داشت که اگر والدین وجود نداشته باشند یا اشخاص دیگر حاضر به قبول ایشان نشوند، این مراقبت به‌نحو صحیح و عملی ممکن نیست و هیچ نهاد دولتی در مقام حمایت از ایشان گام برنخواهد داشت. وضعیت سازمان‌های بهزیستی نیز در این نحو از مراقبت منوط به وجود شرایط خاصی است و با بررسی آرای قضایی صادره از سوی محاکم اطفال و نوجوانان، نمی‌توان موردی را یافت که در قالب پاسخ به رفتار معارض قانون و به حکم دادگاه، بهزیستی مکلف به نگهداری طفل یا نوجوان شده باشد.

ده سالگی است). به‌علاوه، برای صدور این قرار دادگاه باید متقاعد شود که این قرار باعث پیشگیری از اعمال ارتكابی می‌شود. همچنین رفتار طفل باید باعث مزاحمت، ترس یا ناراحتی شخص یا اشخاصی غیر از افراد خانواده خود شده باشد. به‌موجب این قرار، طفل تحت مراقبت نهادهای اجتماعی و والدین طفل، تحت قرار یا قرارهای مناسب قرار خواهند گرفت.

۲-۱. قرارهای ناظر به محدودیت در رفت‌وآمد^۱

در حقوق انگلستان قرارهای منع رفت‌وآمد، گزینه‌ای است که توسط دادگاه‌ها در واکنش به تخلف اطفال و نوجوانان سنین بین ۱۰ تا ۱۵ سال، اعمال می‌گردند. قرارهای منع رفت‌وآمد، این افراد را ملزم می‌کنند تا طی ساعات مشخص در یک مکان معین باقی بمانند. حکم کلی می‌تواند تا ۶ ماه ادامه پیدا کند. در عمل، قرارهای منع رفت‌وآمد به‌صورتی ویژه در ازبین‌بردن «الگوی مجرمانه»^۲ به‌ویژه در رابطه با نوجوانانی که در شب یا به‌صورت گروهی دست به جدال با قانون می‌زنند، کارآمد تلقی می‌گردد. این قرارها به‌صورتی رایج در واکنش به نقض یک قرار دیگر در رابطه با جرائمی مثل سرقت و حمل مواد ممنوعه یا خشونت نیز قابل‌اعمال می‌باشند (Elliot, R., Airs, J., Easton, C. and Lewis, R., 2000: 34).

در بند ۵ از تبصره بند الف ماده ۸۸ بیان شده است که والدین یا اشخاص دیگری که طفل یا نوجوان به آن‌ها تسلیم شده است، می‌توانند از سوی دادگاه ملزم به جلوگیری از رفت‌وآمد طفل یا نوجوان به محل‌های معین بشوند. تعیین این دستورات در این ماده اختیاری است (صبروری‌پور و علوی‌صدر، ۱۳۹۴) و منوط به شرایط خاصی نیست. فقط این احتمال هست که اگر دادگاه، رفت‌وآمد طفل یا نوجوان به محل‌های خاص را دارای احتمال تکرار جرم یا از مناظر دیگری خطراًفرین بداند، می‌تواند این دستور را تعیین و اعمال نماید و در این خصوص نیز الزامی ندارد. مضاف بر اینکه این دستور وقتی صادر می‌شود که تصمیم تسلیم طفل یا نوجوان بزهکار صادر شده باشد؛ یعنی در واقع وجود این دستور منوط به وجود تصمیم قضایی مبتنی بر تسلیم است و نوعی پاسخ تکمیلی تلقی می‌گردد. بنابراین این انتقاد وجود دارد که اگر شخص مشمول تصمیم بند ۸۸، یعنی اخطار و تعهد به عدم تکرار جرم قرار گیرد، این دستور نیز صادر نمی‌گردد.

هرچند قرارهای منع رفت‌وآمد می‌توانند در کنار یک قرار اجتماعی دیگر اعمال گردند، در سیستم موجود در انگلستان و ولز، این امر الزام عملی ندارد و تقریباً ۲۵ درصد از متخلفان نوجوان زمانی که تحت قرار منع رفت‌وآمد قرار دارند، در معرض یک قرار دیگر نیز می‌باشند و به نظر می‌رسد که این قرار در حقوق انگلستان یک قرار تکمیلی اختیاری و در حقوق ایران یک پاسخ تکمیلی باشد و صدور انفرادی یا مستقل این قرار یا حکم برای اطفال و نوجوانان محل تردید است. در انگلستان، رویه‌های عملی حاکی از آن است که قرارهای منع رفت‌وآمد در دوسوم از پرونده‌ها وجود دارد (Walter, 2002:)

1. CURFEW ORDERS

2. pattern offending

۷۸). بنابراین به میزان چشمگیری مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ در حالی که در ایران، این دستور ماهیتی اختیاری دارد و بررسی رویه قضایی، از استفاده بسیار اندک و نزدیک به صفر آن حکایت دارد. نکته دیگر اینکه در حقوق انگلستان این قرارها غالباً از طریق نظارت الکترونیکی اجرا می‌شوند. در حقوق ایران در ماده ۶۳ قانون مجازات اسلامی، نظارت الکترونیکی به شکل کلی و بدون تعیین نوع بزهکاران پیش‌بینی شده است و رویکرد قضایی محاکم ایران به نحوی است که در خصوص بزهکاران طفل یا نوجوان استفاده نمی‌گردد.^۱ همچنین در حقوق انگلستان در جایی که نقض قرار به واسطه عدم پیروی از ساعات منع رفت‌وآمد رخ می‌دهد، تجهیزات نظارت الکترونیک استفاده می‌گردد. نقض قرار می‌تواند منجر به الغای قرار، تشدید آن و در نهایت منجر به حبس یا نگهداری در کانون اصلاح و تربیت گردد. در حقوق ایران ضمانت اجرای صریح و مشخصی برای دستورات مقرر در ماده ۸۸ مشخص نشده و صرفاً به امکان تجدیدنظر در تصمیم از طرف دادگاه اشاره شده است^۲ که این فقدان ضمانت اجرا به اجرای نظام‌مند و توأم با نظارت این مجازات‌ها لطمه وارد می‌سازد.

قرارهای منع رفت‌وآمد زمانی که در امتداد یک قرار اجتماعی دیگر یا تصمیم تسلیم در بندهای الف و ب ماده ۸۸ اعمال شده است، می‌توانند در راستای حمایت از آن قرار گرفته و به صورت بالقوه زمینه ساماندهی زندگی اجتماعی را فراهم سازد. به طور کلی این مسئله که قرارهای منع رفت‌وآمد برای متخلفان نوجوان کارآمد بوده یا خیر، اساساً مبتنی بر این است که چگونه در عمل به کار گرفته شوند. همچنین، این مطلب باید خاطر نشان گردد که قرارهای منع رفت‌وآمد یک پاسخ محدودکننده و سخت‌گیرانه‌اند: اگر شرایط حداکثری اعمال شود، می‌توانند منجر به بیش از ۲۰۰۰ ساعت منع رفت‌وآمد گردند. با این حال در انگلستان، شواهد نشان‌دهنده این است که قرارهای منع رفت‌وآمد معمولاً به عنوان یک جایگزین مستقیم برای حبس نوجوانان به کار گرفته نشده است بلکه به عنوان جایگزین دیگر پاسخ‌های اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرند. آمارهای سالانه در این کشور نشان می‌دهند که اگرچه نرخ‌های جرم ثابت باقی مانده است، صدور قرارهای منع رفت‌وآمد افزایش یافته

۱. این نکته با مراجعه حضوری به کانون اصلاح و تربیت استخراج شده است. حتی با استعلام وضعیت از مراکز مراقبت پس از خروج نیز توجه‌نداشتن عملی به استفاده از نظارت الکترونیکی برای این بزهکاران تأیید شده است.
 ۲. تبصره ۳ ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی درباره تصمیمات اشاره‌شده در بندهای (الف) و (ب) این ماده اشاره می‌کند که دادگاه اطفال و نوجوانان می‌تواند با توجه به تحقیقات به عمل آمده و همچنین گزارش‌های مددکاران اجتماعی از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او، هر چند بار که مصلحت طفل یا نوجوان اقتضا کند، در تصمیم خود تجدیدنظر نماید.

و همچنین سطوح حبس نیز به‌صورتی سرسختانه گسترده باقی مانده است (Youth Justice Board, 2007: 65).

در حقوق کیفری انگلستان، بنا به ملاحظات رویکرد عملی و الزام قانونی قراردادهای منع رفت‌وآمد نباید باعث ایجاد اختلال در برنامه شغلی و آموزش طفل یا نوجوان گردد. همچنین منع رفت‌وآمدها عمدتاً ناظر به منع رفت‌وآمد در شب هستند. در حقوق ایران نیز برای این دستور می‌توان ساعات خاصی را بر اساس نوع جرم ارتكابی و شخصیت وی در نظر گرفت.

۳-۱. قرار برنامه اقدام

قرار برنامه اقدام یا عمل (APO)^۱ یک حکم اجتماعی است که توسط قانون جرم و بی‌نظمی سال ۱۹۹۸ انگلستان ایجاد شده است. این قرار برای هر نوجوان ۱۰ تا ۱۷ ساله‌ای استفاده می‌شود که مرتکب رفتار بزهکارانه شود و دادگاه آن جرم را آن‌قدر جدی تشخیص دهد که سزاوار یک پاسخ اجتماعی است. این قرار در پی ایجاد «یک واکنش کوتاه‌مدت، شدید و منطبق با وضعیت فرد» برای رفتار معارض با قانون و ریسک تکرار آن می‌باشد. محتوای این قرار توسط هیئت اطفال و نوجوانان^۲ تعیین و مشخص می‌شود. نمونه‌هایی از این قرار عبارت‌اند از: کار بدون مزد در جامعه، منع رفت‌وآمد در ساعات خاصی از شبانه‌روز، پرداخت وجه یا دیگر شیوه‌های ترمیمی، حضور در یک مدرسه یا کالج و نظارت بر مجرم در دوران قرار (مهرا، ۱۳۹۳: ۶۹). نکته بسیار جالب اینکه در حقوق انگلستان تحت عنوان قرار برنامه اقدام می‌توان نهادهایی چون خدمات عمومی رایگان و موارد دیگری را مشاهده کرد؛ به‌طوری که می‌توان این قرار را بستر و عنوانی کلی برای بسیاری از تدابیر اجتماعی فرض نمود. بنابراین برنامه مدنظر، کلی است و در حقوق ایران هریک از مصادیق تبصره بند الف ماده ۸۸ و همچنین تدابیر مقرر در ماده ۸۹ ناظر به نوجوانان را می‌توان مشمول آن دانست. قرار برنامه اقدام یا عمل با هدف مداخله شدید زود هنگام به‌عنوان ابزاری برای «در نطفه خفه‌کردن تخلف» ارائه شده است. بر این اساس، این قرار هم در معرض انتقاداتی که از دیگر فعالیت‌های مداخله زود هنگام انجام می‌گیرد، قرار می‌گیرد که شامل اثر برجسب‌زنی و گرایش‌های

1. Action Plan order
2. Youth offender panel

معکوسی است که مداخله زودهنگام می‌تواند ایجاد کند؛ ولی به‌طور کلی این گونه ارزیابی می‌گردد که نسبت به پاسخ‌های کیفی محض از فواید بیشتری برخوردار است (Blakeman, Ian, 2014: 87).^۱ دادگاه موظف است که قبل از صدور قرار برنامه اقدام، مواردی چون نوع تخلفات مربوط به اطفال و نوجوانان مشمول قرار را مدنظر قرار دهد و همچنین تضمین کند که برنامه اقدام، شرایط پیشگیری از تکرار تخلف را تأمین می‌کند. این قرار برای سه ماه صادر می‌گردد و دادگاه یک «افسر مسئول» از تیم محلی رسیدگی به تخلف اطفال و نوجوانان را منصوب می‌کند که با برنامه اقدام همکاری نماید و بر روند اجرای قرار توسط طفل یا نوجوان نیز نظارت کند و وقوع هر گونه نقض برنامه را به دادگاه اطلاع دهد (Ashford, Chard and Redhouse, 2006: 65).

شرایط خاص قرار برنامه عمل می‌تواند شامل موارد زیر باشند: مشارکت در فعالیت‌ها، حضور در کار گروهی متمرکز بر روی جرم، حضور در یک مرکز مراقبت، دور ماندن از مکان‌هایی مشخص، حضور در مدرسه تحت نظر، غرامت برای قربانی تخلف یا برای جامعه به‌عنوان یک کل یا حضور در یک جلسه بررسی در دادگاه نوجوانان (Youth Justice Board, 2004: 12).

در جدول بیست و چهار قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ انگلستان، با اصلاح قوانین سابق، آمده است که درمان مواد مخدر و همچنین در موارد مقتضی آزمایش مواد مخدر، به‌عنوان یک الزام در قرار برنامه اقدام (یا قرار نظارت) گنجانده شود. الزامات درمان مواد مخدر یا آزمایش مواد مخدر در خصوص اطفال یا نوجوانانی اعمال می‌گردد که در معرض خطر مشکلات مربوط به مواد مخدر قرار دارند. دادگاه همچنین می‌تواند یک قرار نیز برای والدین شخص نوجوانی که موضوع قرار برنامه اقدام هستند، اعمال کند.

در خصوص ضمانت اجرای این قرار شایان ذکر است که اگر طفل یا نوجوان در انجام این قرار با شکست مواجه شود، ممکن است حداکثر دو اخطار در دوره این قرار و قبل از اینکه ضمانت اجرای نقض قرار، یعنی ارجاع طفل یا نوجوان به دادگاه اعمال شود، صادر گردد. رویه‌های مربوط به نقض قرار می‌توانند در هر مرحله از این قرار (فارغ از مدت زمان اجرای آن) اعمال گردند. بحث از ضمانت اجرا برای هریک از دستورات ناظر به اقدام به برنامه‌ای خاص از سوی طفل و نوجوان در مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مجازات اسلامی، می‌تواند با الگوبرداری از حقوق کیفری انگلستان مورد

۱. قرار برنامه عمل می‌تواند در امتداد قرار محدودیت در رفت‌وآمد، قرار حضور در مرکز مراقبتی، قرار محروم‌سازی و قرار نظارت، با قرار توان‌بخشی «مبتنی بر فهرست انتخاب» نوجوانان جایگزین گردد.

بازبینی قرار بگیرد؛ زیرا که اعطای دو بار فرصت به این بزهکاران، فرصت‌های بیشتری را برای انطباق هر چه بیشتر با رویه‌های قانون‌مند و هنجارها به آنان می‌دهد. البته گفتنی است که در ماده ۸۸، برخی تصمیمات اصلاً تصمیم ناظر بر طفل نیست؛ مثل بندهای الف و ب که ناظر بر والدین یا سرپرست است؛ به علاوه ضمانت‌اجرایی نیز باید برای آن تعیین شود. هر چند تبصره ۳ ماده مذکور صراحت دارد که مقام قضایی هر چند بار که بخواهد می‌تواند در تصمیم خود تجدیدنظر کند، این تجدیدنظر لزوماً به معنای وضع ضمانت‌اجرا نیست؛ مضاف بر اینکه در رویه قضایی نمی‌توان انتظار خط‌مشی واحدی را داشت.

۴-۱. قرارهای حضور در مراکز خاص^۱

دستور دوم مقرر در تبصره بند الف ماده ۸۸، یعنی فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی، به منظور تحصیل یا حرفه‌آموزی، می‌تواند به الزام به حضور وی در مراکز خاص نیز تعبیر گردد (نیازپور، ۱۳۹۳). کلیت این قرار می‌تواند مجالی برای سوءاستفاده یا به‌طور کلی عدم توسل دادگاه‌های اطفال و نوجوانان و کیفری یک ویژه نوجوانان به قرار مقرر در بند الف ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی را توجیه نماید.

در حقوق انگلستان، قرار حضور در مراکز خاص می‌تواند در دو حالت اعمال گردد: الف) بر طفل و نوجوانی اعمال گردد که در خصوص تخلفی مقصر شناخته شده است که اگر فرد بالغی چنین جرمی را مرتکب می‌شد، حتماً مشمول حکم محکومیت به زندان می‌گشت؛ ب) برای طفل و نوجوانی اعمال گردد که در انجام قرار قبلی دادگاه (از جمله عدم پرداخت جریمه) ناموفق بوده است. قرارهای حضور در مراکز خاص در ابتدا توسط قانون عدالت کیفری سال ۱۹۴۸ ارائه گردیدند. این قرارها نیازی به رضایت «متخلف» ندارند و حداکثر ساعاتی که دادگاه می‌تواند برای آنها تعیین نماید، ۳۶ ساعت برای افراد ۱۶ تا ۲۰ ساله و ۲۴ ساعت برای افراد زیر ۱۶ سال می‌باشد. زمان حداقلی برای این قرار ۱۲ ساعت است؛ به جز در موردی که دادگاه تصمیم بگیرد که این زمان برای یک طفل زیر ۱۴ سال، شدید است (Youth Justice Agency, 2007: 35). نکته جالب ناظر به ساعت اجرایی آنکه بسته به سن مرتکب می‌تواند مورد استفاده نظام تقنینی و رویه قضایی ایران واقع شود و این نهاد را از اطلاق خارج نماید.

زمانی که یک طفل یا نوجوان مشمول قرار حضور در مراکز خاص می‌شود، ملزم می‌گردد که به نحو تعیین شده، به «مرکز مراقبتی» مراجعه نماید. در انگلستان و ولز، مراکز مراقبتی معمولاً در ساختمان‌های مدارس اند و اطفال و نوجوانان ملزم به این هستند که صبح یکشنبه‌ها به آن‌جا مراجعه کنند.^۱ این قرار در پی تنبیه از طریق محدودیت آزادی در زمان فراغت، الزام به حضور منظم در محیط آموزشی، رعایت رهنمودها و دستورالعمل‌های مربوط به حرفه‌ها، مهارت‌ها و علائق به منظور حرفه‌آموزی و ایجاد مهارت‌های اجتماعی از طریق فعالیت ساختارمند می‌باشد. اطفال و نوجوانان غالباً در گروه‌های «متمرکز بر روی جرم» شرکت کرده و با درک تخلف خود می‌آموزند که چگونه از تکرار تخلف پیشگیری کنند. بسیاری از مراکز مراقبتی، به‌ویژه در انگلستان و ولز، رهنمودهایی را درباره تناسبات جسمی نیز ارائه کرده و این انتظار را ایجاد می‌کنند که اطفال و نوجوانان در فعالیت‌های جسمانی نیز شرکت کنند. همچنین این انتظار از اطفال و نوجوانان می‌تواند وجود داشته باشد که کار «جبرانی» را معمولاً به صورت تمیزکردن محوطه مرکز مراقبتی (مدرسه) یا کارهایی مشابه در «اجتماع» انجام دهند.

در نظام عدالت کیفری انگلستان، یکی از استانداردهای وضع شده برای پاسخ به تخلفات اطفال و نوجوانان آن است که چنانچه این اشخاص از قرار حضور در مراکز مراقبتی تبعیت نکنند، تدابیر اجبارآمیز دیگری بر آن‌ها اعمال گردد. این رویکرد باعث کارآمدی این قرار خواهد شد. (Youth Justice Board, 2004 [a]: 8).

قرارهای حضور در مراکز مراقبتی در انگلستان و ولز معمولاً توسط افسران پلیس مدیریت می‌شوند. تأکید اساسی در این قرارها بر نظم‌پذیری اطفال و نوجوانان است. در ایرلند شمالی، تأکید رسمی بیشتری بر روی ارائه یک محیط آموزشی «ایمن» در برنامه‌های خدمات اجتماعی وجود دارد که با کارورزان اجتماعی، معلمان و کارورزان جوان تأمین نیرو شده باشد (Youth Justice Agency, 2007: 87). به همین دلیل و به منظور نظام‌مندی در اجرا، باید نهاد یا شخصی را برای نظارت بر اجرا در حقوق ایران تعیین کرد که می‌تواند مددکاران اجتماعی، برخی از معلمان مدرسه یا افسران زن از نیروی انتظامی را شامل گردد.

۱. در ایرلند شمالی همه طرح‌های خدمات اجتماعی «به‌عنوان مراکز مراقبتی مورد استفاده قرار می‌گیرند. ساعات حضور معمولاً طی چند ماه به‌واسطه جلسات برنامه‌ریزی شده به‌صورت حداکثر ۲ ساعت در هر جلسه، تکمیل می‌شوند (Goldson, 2008: 324).

۵-۱. قرارهای ارجاع^۱

قرارهای ارجاع، در انگلستان و ولز برای اطفال و نوجوانانی که به اولین ارتکاب رفتار بزهکارانه خود اقرار نموده‌اند، احکامی استاندارد تلقی می‌شود؛ مگر اینکه دادگاه تصمیم بگیرد که یک حکم حبس فوری یا آزادی مطلق (برای برخی از تخلفات بسیار جزئی) یا قرار ارجاع به بیمارستان (تحت قانون سلامت روانی) را در خصوص آن‌ها صادر کند. متمایزترین ویژگی این قرار، غیر از اینکه همیشه اجباری بوده، این است که با عطف توجه به محتوای قرار، تصمیم‌گیری را به انجمنی از داوطلبان اجتماعی محول می‌کند (Nacro, 2004: 59).

قرارهای ارجاع در انگلستان و ولز با تصویب قانون عدالت نوجوانان و ادله کیفری ۱۹۹۹ در سیستم عدالت نوجوانان به رسمیت شناخته شده‌اند و آن‌ها را به‌گزینۀ ای استاندارد برای اطفال و نوجوانان در اولین محکومیت خود تبدیل کرده است. طی ۲۰ روزی که قرار ارجاع در دادگاه صادر شده است، فرد جوان همراه با والدین یا مراقب خود (اگر که زیر ۱۶ سال باشد)، باید در یک کمیسیون محلی اطفال و نوجوانان بزهکار (YOP)^۲ حاضر گردد. این انجمن‌ها در پی ارائه یک جلسه نیمه‌رسمی در مقایسه با دادگاه نوجوانان‌اند که در آن شرایط تخلف، متخلف و قربانی مدنظر قرار می‌گیرد. اصول عدالت ترمیمی در بنیان رهنمود رسمی برای این قانون قرار دارند. بزه‌دیدگان نیز در کنار حداقل دو داوطلب محلی و نماینده هیئت اطفال و نوجوانان بزهکار (YOT)^۳ می‌توانند برای

1. REFERRAL ORDERS

2. Youth Offender Panel

این کمیسیون مرکب از مأمور مراقبتی (پروباسیون)، مددکار اجتماعی، نماینده اداره محلی خدمات بهداشتی، نماینده آموزش و پرورش و مأمور پلیس است. فعالیت اصلی کمیسیون مذکور اعمال اقدام‌های ترمیمی، تربیتی و نظارتی از طریق اخطار رسمی است. در حال حاضر و پس از تصویب قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸ رسالت عمده این کمیسیون مساعدنمودن زمینه اجرای اقدام‌های مختلف مقرر در این قانون است.

3. Youth Offending Team

کمیسیون محلی اطفال بزهکار را نباید با هیئت اطفال و نوجوانان اشتباه کرد. هیئت اطفال و نوجوانان تنها برای قرارهای ارجاع به وجود آمده است. توضیح اینکه کمیسیون محلی مربوط و همچنین دو عضو منتخب از جامعه محلی که عضو کمیسیون محلی نباشند، هیئت اطفال و نوجوانان را تشکیل می‌دهند. چنانچه هیئت، مناسب تشخیص دهد، می‌تواند دو عضو دیگر شامل بزه‌دیده و یک شخص بالغ معتمد را نیز به هیئت اضافه کند. طی نخستین نشست، این هیئت جرم ارتكابی را با بزهکار مورد بحث قرار داد و سعی در رسیدن به توافق درباره دنبال کردن برنامه اقدامات می‌کند. هدف از این برنامه، پیشگیری از تکرار جرم توسط مجرم است. پس از توافق در خصوص برنامه مدنظر، این توافق به‌صورت یک قرارداد تنظیم می‌شود و مجرم و دیگر اعضا آن را امضاء می‌کنند. نمونه‌های این قرارداد عبارت‌اند از: کار بدون مزد

حضور یا مشارکت در این جلسات دعوت گردند. دیگر اعضای خانواده نوجوان و یا افرادی که حضور آنان به نحوی در این جلسات مؤثر است نیز می‌توانند دعوت شوند (Goldson, 2008: 313).

در حالی که دادگاه می‌تواند مدت حکم را بین ۳ تا ۱۲ ماه تعیین کند اما این حکم تنها وقتی صادر می‌گردد که به شکل توافقی و قراردادی در جلسه هیئت اطفال و نوجوانان بزهکار تعیین گردد. در طی مدت این قرار، جلسات انجمن بیشتری می‌توانند برای نظارت بر روی انطباق فرد، پیشرفت و دستاورد او، تشکیل شوند. زمانی که این قرار توافقی صورت نمی‌گیرد و یا شرایط آن برآورده نشوند، هیئت اطفال و نوجوانان بزهکار می‌تواند تصمیمی برای تغییر قرارداد یا ارجاع نوجوان به دادگاه برای حکم دوباره اتخاذ نماید.

قرارهای ارجاع نشان‌دهنده نظام‌مندترین تلاش برای وارد کردن اصول عدالت ترمیمی در عدالت نوجوانان در انگلستان و ولز می‌باشند. اکنون این قرارها تشکیل‌دهنده تقریباً یک سوم از همه احکامی بوده که در دادگاه‌های نوجوانان صادر می‌شود (Youth Justice Board, 2003: 37). این قرار از زمان اجرای کامل خود در سال ۲۰۰۱، منجر به استخدام و آموزش بیش از ۵۰۰۰ عضو انجمن داوطلبانه برای حضور در هیئت اطفال و نوجوانان بزهکار گردیده است. ده‌ها هزار مورد از جلسات این انجمن هر سال در مراکز اجتماعی، سالن‌های روستایی و دفاتر هیئت اطفال و نوجوانان بزهکار تشکیل می‌شوند. هرکدام از این جلسات دربردارنده فرد جوان، و در برخی موارد آن هم بسته به شرایط، قربانیان، اعضای خانواده، مراقبان، معلمان، و دیگر اعضای اجتماعات محلی می‌باشند.

اجرای قرارهای ارجاع، پیچیده و چالش‌برانگیز می‌باشد. آن‌ها که دارای ساختار قانونی و رهنمودهای رسمی سنگینی بوده، ارائه‌دهنده فرصتی بالقوه برای تعامل ابتکاری و خلاقانه بین افراد حرفه‌ای عدالت نوجوانان، داوطلبان اجتماعی، قربانیان، افراد جوان و خانواده‌های آن‌ها هستند. این قرارها می‌توانند به‌عنوان بخشی از تلاش جناح کارگر جدید برای ایجاد اجتماعی جدید در رابطه با جرائم نوجوانان که اساساً بر مبنای اصول انجمنی ایجاد شده و نیز ترکیب اصول «مشارکت»،

در جامعه، منع رفت‌وآمد در ساعات خاصی از شبانه‌روز، پرداخت وجه یا دیگر شیوه‌های ترمیمی، حضور در مدرسه یا کالج یا نظارت بر مجرم در دوران قرارداد.

قرارداد نمی‌تواند شامل کنترل از راه دور یا هر گونه محدودیت فیزیکی برای مجرم باشد. در طول دوره قرارداد، اعضای هیئت برای مرور شرایط قرارداد و نحوه اجرای آن نشست‌هایی خواهند داشت. پس از پایان یافتن دوره، اعضا طی نشستی چگونگی اجرای قرارداد را بررسی خواهند کرد. در صورت تأیید اجرای کامل قرارداد، مجرم از اتهامات وارده برائت کسب می‌کند و در غیر این صورت نیز پرونده به دادگاه اطفال برای تعیین مجازات ارسال خواهد شد (مهرا، ۱۳۹۳: ۳۲۴).

«مسئولیت» و «اجتماع» مورد مشاهده قرار گیرند. قرار ارجاع با وجود در اختیار داشتن قدرتی بالقوه برای عملکرد کارآمد و خلاقانه، هنوز هم مورد انتقاد است. برخی بر این نظرند که این قرار می‌تواند در راستای مداخله زود هنگام نامناسب قرار گرفته و اصول متناسب بودن را به خطر بیندازد و بر این اساس حقوق بشر اطفال را نقض کند (Crawford & Newburn, 2003: 34).

با توجه به نکات مزبور می‌توان گفت، هر چند این قرار در حقوق کیفری ایران سابقهٔ تقنینی ندارد، در پاسخ به این پرسش که آیا می‌توان با توجه به مقررات موجود به نوعی از این قرار الهام گرفت یا خیر، به نظر می‌رسد که با توجه به تصمیمات مقرر در مادهٔ ۸۸ و همچنین سایر اقدامات تأمینی و تربیتی که در قانون به‌عنوان پاسخ تکمیلی آمده است، بتوان با بهره‌گیری از کنشگران مرتبط با حقوق کیفری اطفال و نوجوانان تعیین یک دستور کارشناسی شده و مناسبی را برای آنان تعیین کرد. این در حالی است که تصمیم‌های قضایی ناظر به بزهکاران طفل و نوجوان، به شکل انفرادی و تماماً با مصلحت‌سنجی‌های خود قاضی صالح تعیین و صادر می‌گردند که این امر می‌تواند احتمال نامناسب بودن تصمیمات را در پی داشته باشد.

۶-۱. قرارهای ارجاع به بیمارستان^۱

قرارهای ارجاع به بیمارستان، حکمی را برای بزهکاران نوجوانی که دچار اختلال روانی‌اند، ارائه می‌کند و بر این اساس جایگزینی مناسب برای حبس آنان را فراهم می‌سازد. توضیح آنکه اطفال و نوجوانان به مانند بزهکاران بزرگسال ممکن است از بیماری روانی رنج ببرند و باید در مقام تعیین پاسخ به سمت تلاش در جهت درمان آنان گام برداشت. در قسمت سوم تبصرهٔ بند الف مادهٔ ۸۸، به‌طور خاص به این امر توجه شده است: «اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک.» در این خصوص والدین یا دیگر اشخاص موظف می‌شوند که این اقدام را انجام دهند و گزارش آن را تقدیم کنند. اینکه در عمل چه مشکلاتی وجود دارد، در ادامه با تبیین حقوق کیفری انگلستان مورد اشاره قرار می‌گیرد.

قرارهای ارجاع به بیمارستان برای نوجوانان در دادگاه‌های سلطنتی انگلستان و ولز در دو مورد قابل توجه است: اول، پرونده‌هایی که مستلزم تأمین معیارهای مربوط به سلامت روانی هستند؛ دوم، پاسخ تخلف مدنظر، حبس باشد و «بازداشت» در بیمارستان به‌عنوان نوعی حبس تلقی گردد. قرار ارجاع به بیمارستان منجر به «بازداشت» در آنجا تا ۶ ماه ادامه می‌یابد. تصمیمات برای آزادی یا بازداشت بیشتر تحت قانون و رویه‌های سلامت روانی اتخاذ می‌گردند. دادگاه سلطنتی که قرارهای

ارجاع به بیمارستان را صادر کرده می‌تواند قرار محدودکننده را نیز اضافه کند؛ به نحوی که بازداشت را برای یک دوره مشخص یا نامشخص الزامی نماید (Crown Prosecution Service, 2004: 76). همچنین قرارهای ارجاع به بیمارستان می‌تواند نسبت به اطفال و نوجوانان دارای اختلال روانی به کار رود و علاوه بر آن این قرار می‌تواند به عنوان جایگزینی مطلوب برای «حکم مبتنی بر حبس پیشگیرانه» که در رابطه با «خطرناک بودن» مرتکب اقتضا دارد، کاربرد داشته باشد (Jones, 2006: 67). مشکلات سلامت روانی به صورتی نامتناسب در میان اطفال در سیستم عدالت کیفری مورد شناسایی قرار گرفته است؛ با این حال، تدارکات سلامت روانی قانونی به ندرت مورد استفاده قرار می‌گیرند (Nacro, 2005: 86).^۱

در حقوق ایران مسائل متعدد دیگری وجود دارد؛ به عنوان مثال اینکه آیا باید هزینه این درمان به عهده مرجع قضایی باشد یا همان اشخاصی که در حقوق ایران به آن‌ها تسلیم صورت می‌پذیرد. به نظر می‌رسد با توجه به عدم تصریح قانون، این هزینه بر عهده اشخاص موضوع تسلیم باشد. ولی اینکه آیا مرجع قضایی نمی‌تواند با مشخص کردن و عقد قرارداد با برخی مراکز درمانی هم اجرای این دستور را نظام‌مند سازد و به طور خاص در این راستا مسئول‌تر عمل نماید، مشکلی است که باید مرتفع گردد.

۲. قرارهای مبتنی بر جبران خسارت^۲

قرار مبتنی بر جبران خسارت برای هر فرد ۱۰ تا ۱۷ ساله‌ای که به خاطر رفتار بزهکارانه محکوم شده است، قابل اعمال می‌باشد. این قرار، متخلف طفل و نوجوان را ملزم به جبران خسارت مشخص به بزه‌دیده جرم (در صورتی که بزه‌دیده مستحق آن باشد) یا به جامعه می‌نماید. هر جبران خسارتی که مشمول این قرار می‌گردد، می‌تواند تا ۲۴ ساعت موضوع رسیدگی قرار گیرد و باید ظرف حداکثر سه ماه از زمانی که این قرار توسط دادگاه صادر شده است، جبران خسارت به مرحله اجرا درآید. در حقوق انگلستان، قرار مبتنی بر جبران خسارت که در قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸ ارائه شده است، اساساً درصدد جایگزین شدن با آزادی مشروط بوده است. اجرای این قرار توسط یک هیئت

۱. تدارکاتی مشابه در ایرلند شمالی تحت قرار ۱۹۸۶ سلامت روانی (ایرلند شمالی) ایجاد گردیده است (که اخیراً پس از مسئله حقوقی در رابطه با حقوق بشر اصلاح شده است). در اسکاتلند، «قرارهای اجباری» به واسطه قانون ۲۰۰۳ سلامت روانی (مراقبت و درمان) ارائه گردیده‌اند. این قانون در ایرلند شمالی، انگلستان و ولز به واسطه لایحه ۲۰۰۴ سلامت روانی تحت تجدیدنظر قرار گرفته است.

اطفال و نوجوانان بزهکار، تحت نظارت قرار می‌گیرد. جبران خسارتی که تحت قرار مبتنی بر جبران خسارت انجام گرفته است، لزوماً به جبران مالی محدود نمی‌باشد. دادگاه همچنین مختار است تا قرار مبتنی بر جبران خسارت مالی را در جایی اعمال کند که جبران خسارت مالی مناسب‌تر باشد. در حقوق انگلستان، در سال ۲۰۰۶-۲۰۰۵، بیش از ۴۰۰۰ قرار مبتنی بر جبران خسارت صادر شده است. سرقت و جابه‌جایی اموال مسروقه و اخلال در نظم عمومی، موضوع تخلفات و رفتارهای مجرمانه مستوجب این قرارهاست. به‌علاوه، در زمینه خشونت علیه اشخاص نیز بیش از ۷۰۰ بار استفاده شده است (Goldson: 2008).

شرط اولیه در صدور قرار مبتنی بر جبران خسارت این است که بزه‌دیده با اعمال جبران خسارت موافقت نماید. قبل از اینکه طفل و نوجوان بتواند مشمول قرار مبتنی بر جبران خسارت را قرار گیرد، باید از نظرات بزه‌دیده مطلع گردد. اگر بزه‌دیده مایل نباشد که ارتباطی با بزهکار داشته باشد، چنین ارتباطی ایجاد نمی‌شود و بر این اساس جبران خسارت می‌تواند در برابر اجتماع به صورت کلی صادر گردد و اگر بزه‌دیده آمادگی دریافت خسارت مستقیم از سوی شخص بزهکار را داشته باشد، رایزنی برای ایجاد نوعی از جبران خسارات که بزه‌دیده آن را مناسب تشخیص دهد و بپذیرد، آغاز می‌گردد. رهنمودهای موجود در این زمینه مشخص می‌سازند که جبران خسارت تحت این قرار در پی حذف رفتار و گرایش‌های نوجوان متخلف می‌باشند. مثال‌هایی از جبران خسارت در حقوق انگلستان، شامل نوشتن نامه عذرخواهی یا ملاقات شخصی با قربانی برای عذرخواهی، جبران و اعاده وضع به حالت سابق در قبال صدماتی که بزهکار نوجوان مسئول ایجاد آن بوده است، همانند پاک کردن نقاشی‌های دیواری یا جمع‌آوری زباله‌ها می‌باشد (مهرا، ۱۳۹۰: ۶۹).

به‌علاوه، اگر بزهکار نوجوان نتواند با قرار مبتنی بر جبران خسارت همکاری کند، قرار او باطل شده و به دادگاه بازگردانده می‌شود. دادگاه می‌تواند دستور به ادامه قرار داده یا آن را با یک جریمه تا ۱۰۰۰ پوند جایگزین کند یا قرار حضور در مراکز خاص صادر نماید. چنانچه قرار مبتنی بر جبران خسارت در دادگاه سلطنتی صادر شده باشد، بزهکار نوجوان برای دریافت حکم دوباره به این دادگاه بازگردانده شود.

این قرار ترمیمی درباره اطفال و نوجوانان به‌طور خاص در حقوق کیفری ایران پیش‌بینی نشده است و مقنن به پیش‌بینی موارد خاص پرداخت جزای نقدی در حق دولت، اقدام نموده است و تنها به موجب ماده ۹۲ مقرر داشته است: «در جرائمی که مستلزم پرداخت دیه یا هر ضمان مالی دیگری است، دادگاه اطفال و نوجوانان مطابق مقررات مربوط به پرداخت دیه و خسارت حکم می‌کند.» در خصوص جنایات‌های ارتكابی اطفال، دیه را عاقله شخص نابالغ پرداخت می‌کنند و در حالتی که

شخص، نوجوان بوده و از مرحله بلوغ عبور کرده باشد، قاعدتاً خود باید اقدام به پرداخت خسارت نماید و چون عموماً نوجوانان مالی ندارند، اولیا متکفل این پرداخت خسارت می‌گردند. نتیجه‌ای که حاصل می‌شود این است که این اشخاص در راستای بهبود و تقویت روابط صحیح اجتماعی تلاشی نمی‌کنند و همچنین از مفهوم مجازات در این راستا نیز اثراتی متوجه آن‌ها نمی‌شود. مضاف بر اینکه اگر اولیا ملزم به پرداخت شوند، این خود می‌تواند آن‌ها را به مراقبت بیشتر از فرزندانشان و آموزش‌های بیشتر به آن‌ها وادارد. در این خصوص رویکرد مقتن انگلستان در جبران خسارت‌های مادی و معنوی موجه است؛ بنابراین ایفای نقش نوجوانان در جبران خسارت در حقوق کیفری ایران می‌تواند مورد بازنگری قرار بگیرد.^۱

۳. قراردادهای مبتنی بر ارائه جایگزین‌ها و تصمیمات ارفاق‌آمیز قضایی

از دیگر پاسخ‌های جایگزین می‌توان به تدابیر و احکامی اشاره کرد که اگرچه برخی سنتی و برخی دیگر در قالب تصمیمات ارفاق‌آمیز قضایی اند، اعمال برخی از آن‌ها در حقوق کیفری ایران، به‌ویژه در خصوص اطفال و نوجوانان، رویکردی جدید تلقی می‌شود. مضافاً اینکه برخی جایگزین‌ها به مانند خدمات عمومی رایگان، شکل دیگری از جایگزین‌های نوین اجتماع‌مدار قلمداد می‌شوند که در ادامه به تبیین آن‌ها پرداخته می‌شود.

۳-۱. انجام خدمات عمومی^۲ و عام‌المنفعه^۳

قانون‌گذار ایران در جرائم تعزیری و همچنین در جرائم مستوجب حد و قصاصی که شرایط شبهه مقرر در ماده ۹۱ وجود داشته باشد، مقرر کرده است که می‌توان برای مرتکبان بالای ۱۵ سال، خدمات عمومی رایگان را بسته به شرایط مقرر و نوع جرم تعیین کرد. در قانون مجازات اسلامی در ماده ۸۹، خدمات عام‌المنفعه در خصوص نوجوانانی که مرتکب جرایم تعزیری درجه پنج و شش می‌گردند، پیش‌بینی شده است. نخستین و مهم‌ترین نکته‌ای که راجع به این ماده به نظر می‌رسد، این است که در قانون، قبول یا عدم قبول نوجوان برای اجرای این پاسخ شرط نشده است. این در حالی

۱. ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی: «کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او می‌باشد، در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت، مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون و یا صغیر می‌باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد از مال مجنون یا صغیر زیان جبران خواهد شد و در هر صورت جبران زیان باید به‌نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران‌کننده نباشد.»

2. Community Service Orders

۳. برای مطالعه بیشتر در خصوص سنجش اثربخشی مجازات‌های اجتماعی؛ (نک: خواجه‌نوری، ۱۳۸۸)

است که در تبصره ۱ ماده ۳۳ لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان که البته هیچ‌گاه به تصویب نرسید و نیز در ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی که مربوط به خدمات عام‌المنفعه برای بزرگسالان است، قبول بزهکار شرط اجرای حکم است. همچنین به موجب اصل ۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است برگزیند...». همچنین کار اجباری مطابق با ماده ۱۷۲ قانون کار مصوب ۱۳۶۹ جرم بوده و برای آن مجازات تعیین شده است. لذا به نظر می‌رسد به‌کارگیری نوجوانان بزهکار بدون رضایت آن‌ها که در ماده ۸۹ پیش‌بینی شده است، خلاف قانون اساسی و دیگر قوانین موضوعه است. بنابراین می‌توان گفت که نظر مقنن این است که دادگاه صالح با مذاقه در پرونده و با توجه به مصلحت نوجوان و تشخیص مناسب بودن انجام کارهای عام‌المنفعه با توجه به سن، روحیه و جرم ارتكابی، بدون رضایت متهم چنین دستوری را صادر نماید. هرچند نیز می‌توان تبصره ۳ ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی را حکمی کلی درباره لزوم اخذ رضایت فرد مشمول این پاسخ تلقی کرد و سیاست جنایی قضایی را به سمت رعایت این حکم کلی سوق داد و رضایت نوجوان بزهکار را در اعمال این پاسخ لحاظ نمود.

ایراد دومی که در این پاسخ مطرح می‌گردد آن است که در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ضمانت اجرای تخلف نوجوان از اجرای خدمات عام‌المنفعه معین نشده است^۱ و لذا مشخص نیست اگر نوجوان از اجرای این پاسخ سرباز بزند چه باید کرد (شمس ناتری و دیگران، ۱۳۹۳). اما به نظر می‌رسد که به موجب ماده ۸۱ بتوان تکلیف را تا اندازه‌ای مشخص نمود: «چنانچه محکوم از اجرای مفاد حکم یا دستورهای دادگاه تخلف نماید، به پیشنهاد قاضی اجرای احکام و رأی دادگاه برای بار نخست یک‌چهارم تا یک‌دوم به مجازات مورد حکم افزوده می‌شود و در صورت تکرار، مجازات حبس اجراء می‌گردد.» اما در اعمال این ماده هم مشکل وجود دارد و آن اینکه پاسخ شخص نوجوان در این حالت پاسخ اصلی است و نه پاسخ جایگزین مقرر در فصل جایگزین‌های حبس. به همین دلیل ضمانت اجرا برای بار دوم مبهم است و مشخص نیست که اگر مجدداً تخطی نمود، به کدام پاسخ محکوم می‌شود.

۱. سابق بر این، طبق تبصره ۲ ماده ۳۳ لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان، هرگاه محکوم علیه بدون عذر موجه از انجام دادن خدمات عمومی امتناع یا کوتاهی می‌کرد، دادگاه می‌توانست با توجه به نظریه دادر، پس از ارائه گزارش مددکار اجتماعی، برای بار اول، ساعت کار خدمات عمومی را تا یک‌چهارم افزایش دهد و در صورت تکرار، آن را به خدمات عمومی دیگری تبدیل یا به سایر مجازات‌های مندرج محکوم نمایند.

سومین نکته قابل طرح در سیاست جنایی قضایی آنکه خدمات عمومی مطابق قانون مجازات اسلامی، خدماتی بدون دستمزد خواهد بود. بهتر است که قانون با تعیین ردیف بودجه‌ای خاص، این اختیار را به قاضی بدهد که در صورت تشخیص و جهت تشویق محکوم به انجام کار، در صورت اجرای صحیح خدمات و برنامه‌ها، دستور پرداخت مبلغی را به وی بدهد.

آخرین نکته قابل ذکر آن است که بهتر می‌بود دادگاه اتخاذ نوع خدمات عام‌المنفعه را با مشورت مددکاران اجتماعی تعیین می‌کرد؛ چراکه انتخاب نوع خدمات عام‌المنفعه نیز بدون توجه به پرونده شخصیت و نیز نظر مددکاران اجتماعی و روان‌شناسان برای قاضی آسان نخواهد بود.

در حقوق کیفری انگلستان، دادگاه می‌تواند از بزهکار بیش از شانزده سال بخواهد که به‌طور رایگان به نفع جامعه کار کند؛ آن هم به شرطی که محکومیتش در رابطه با جرمی باشد که اگر از سوی بزرگسال ارتکاب می‌یافت، مجازات آن حبس بود. در تعیین این محکومیت، رضایت بزهکار نوجوان ضروری است و چنین قراردادی شامل حداقل ۴۰ و حداکثر ۲۴۰ ساعت کار در مدت ۱۲ ماه می‌شود. کار مشخص شده زیر نظر مأمور ویژه بخش تعلیق مراقبتی انجام می‌شود. چنانچه قرار لغو گردد، مجرم ممکن است برای جرم اولی نیز محکوم شود. کارهای عمومی عام‌المنفعه متعددی بدین منظور وجود دارد؛ به‌عنوان مثال طرح‌های نگهداری فضاها شهری (مثلاً فضای سبز)، ساخت شهرهای بازی و کارهای رنگ‌آمیزی و تزئینات خانه‌ها و آپارتمان‌ها برای اشخاص سالمند یا ناتوان. در ایران نیز برای تعیین مصداق کارهای عام‌المنفعه باید به آیین‌نامه ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی نظر داشت.

۲-۳. آزادی مشروط^۱

در انگلستان آزادی مشروط یکی از گزینه‌هایی است که به‌عنوان یک پاسخ مبتنی بر تصمیم ارفاق‌آمیز قضایی در دسترس دادگاه نوجوانان است و در آن دسته از پرونده‌های کیفری صادر می‌شود که مجازات، با مدنظر قرارداد شرایط مرتبط با تخلف یا متخلف، امری غیرمصلحت‌آمیز در نظر گرفته شده است. این یک قرار مبتنی بر آزادی است که طی آن متخلف تحت این شرط آزاد می‌شود که طی یک دوره، که حداکثر نیز سه سال است، نباید مرتکب تخلف گردد. مقررات بین‌المللی در این زمینه مقرر می‌دارند: آزادی مشروط از مؤسسه نگهداری در گسترده‌ترین حد ممکن توسط مرجع مقتضی به کار گرفته شده و در اسرع وقت ممکن اعطا خواهد شد. همچنین نوجوانانی که به‌صورت

مشروط از مؤسسه آزاد می‌گردند، توسط یک مرجع مقتضی، مساعدت و نظارت شده و از حمایت کامل جامعه برخوردار خواهند گردید.^۱

در حقوق کیفری ایران وفق ماده ۹۰ قانون مجازات اسلامی، به‌عنوان تصمیم ارفاق‌آمیز قضایی، امکان استفاده از آزادی مشروط برای طفل و نوجوان بزهکار، در مواردی که حسب تبصره ۲ ماده ۸۸ یا ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی نگهداری در کانون اصلاح و تربیت پیش‌بینی شده است، وجود دارد، که بنابراین، زمانی تصمیم یا حکم نگهداری در کانون اصلاح و تربیت صادر می‌شود که مرتکب بین ۱۲ تا ۱۸ سال سن داشته و جرم تعزیری درجه یک تا پنج مرتکب شده باشد.

نکته دیگر اینکه، در حقوق کیفری انگلستان، استفاده از آزادی مشروط طی یک دوره ده‌ساله بسیار کاهش یافته است (تعداد ۲۲,۲۷۸ مورد در دادگاه نوجوانان در سال ۱۹۹۵ اما تنها ۸,۹۱۴ مورد در سال ۲۰۰۵). یکی از دلایل این کاهش، محدودیت‌های تحمیل‌شده بر روی دادگاه نوجوانان به‌واسطه برنامه توبیخ و اخطار در قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸ بود که به‌موجب آن دادگاه می‌تواند آزادی مشروط را بر روی نوجوانی اعمال نماید که اخطار را طی دو سال گذشته تنها در شرایطی استثنایی دریافت کرده است (Goldson, 2008: 45). دغدغه موجود در اینجا این بوده است که کاهش در دسترس‌پذیری و استفاده از این گزینه در نهایت منجر به افزایش در اقدامات تنبیهی‌تر، به‌ویژه احکام مربوط به حبس بشود. به نظر می‌رسد که با توجه به استفاده بسیار نادر از آزادی مشروط برای اطفال و نوجوانان در سیاست جنایی قضایی ایران در چند سالی که از عمر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌گذرد، باید در مقام تحلیل کاربردی این نهاد و احتمال یا عدم احتمال متروک‌ماندن آن مطالعات میدانی انجام شود.

نکته دیگر اینکه آیا شرط استفاده از آزادی مشروط، گذشت همان یک‌پنجم بیان‌شده در ماده ۹۰ یا یک‌سوم مقرر در ماده ۵۸ است. به‌علاوه، مباحث نظری و عملی دیگری نیز قابل طرح است؛ به‌عنوان مثال آیا همان مقررات مواد ۵۸ تا ۶۲ نیز در این آزادی مشروط باید رعایت گردند یا خیر که به نظر می‌رسد باید قائل به تفکیک بود: اولاً در تشریفات که شکل آزادی مشروط را نشان می‌دهند، مثل مدت آزادی مشروط، امکان تعیین دستورات حین تعویق مراقبتی در آزادی مشروط و ضمانت اجرای آزادی مشروط، بتوان همین مقررات را مجری دانست؛ ثانیاً برخی شرایط که امکان صدور این نهاد را تبیین می‌کنند، مانند نداشتن سابقه بهره‌مندی از آزادی مشروط شاید قابل تفسیر باشند و با ضوابط و شرایط مشخصی بتوان آن را برای اطفال و نوجوانان منظور نمود؛ زیرا همان‌گونه

1. Beijing Rules, Articles (28.1)

که در حقوق انگلستان نیز مقرر شده است، در برخی شرایط خاص می‌توان مجدداً از آزادی مشروط استفاده نمود؛ هرچند که آن طفل یا نوجوان سابقاً از این نهاد بهره‌مند شده باشد. بنابراین اعمال تصمیم ارفاق‌آمیز مقرر در ماده ۹۰، مانع استفاده از آزادی مشروط مقرر در ماده ۵۸ این قانون نیست. نکته‌ای که در انگلستان در رابطه با این تصمیم رعایت می‌شود این است که در قبال جرم جدید ارتكابی به مانند جرم سابق رفتار نخواهد شد و نمی‌توان از این تصمیم ارفاق‌آمیز استفاده کرد و دیگر با وی به مانند یک بزهکاری که برای اولین بار مرتکب جرم شده است، رفتار نخواهد شد.

در حقوق انگلستان، مرتکب باید با آزادی مشروط موافق باشد و دادگاه باید به او توضیح دهد که اگر او مرتکب جرم دیگری در طی دوره‌ای مشخص گردد، دیگر نه تنها برای آن تخلف جدید، بلکه برای تخلفی که منجر به آزادی مشروط او گردیده است نیز مشمول پاسخ کیفری می‌شود (قانون ۲۰۰۰ نحوه صدور حکم در دادگاه‌های کیفری، قسمت‌های ۱۵-۱۲). اگر که طفل و نوجوان دوباره مرتکب تخلف شده و برای تخلف اصلی اش حکم داده شود، اثر آزادی مشروط او متوقف می‌گردد. با این حال دادگاه می‌تواند اجازه به ادامه آزادی مشروط داده و فقط برای تخلف دوم حکم صادر کند. آزادی مشروط واجد شرایط یک محکومیت نیست و اصطلاحاً اثر کیفری ندارد؛^۱ اما این امر به‌عنوان بخشی از سوابق مرتکب ثبت می‌شود و در احکام بعدی مدنظر قرار می‌گیرد.^۲ در این خصوص، می‌توان دریافت که نظام آزادی مشروط در حقوق انگلستان برای اطفال و نوجوانان فقط یک‌بار قابل صدور است ولی ممکن است در مواردی و با وجود شرایطی مجدداً نیز صادر شود. حال این نکته در حقوق کیفری ایران مطرح می‌شود که آیا عدم استفاده پیشین از آزادی مشروط مقرر در ماده ۵۸ نیز در رابطه با اطفال و نوجوانان شرط است یا خیر. به نظر می‌رسد مقنن نظر به رعایت شرایط آزادی مشروط داشته است و در عمل نیز این شرط ملاک قرار خواهد گرفت ولی این مقررات متناسب با شرایط اطفال و نوجوانان بزهکار نیست و لازم است نسبت به این دسته از افراد انعطاف‌پذیری بیشتری وجود داشته باشد.

۱. به مانند ماده ۹۵ قانون مجازات اسلامی: «محکومیت‌های کیفری اطفال و نوجوانان فاقد آثار کیفری است.»
 ۲. این گزینه مانع از صدور توبیخ یا اخطار تحت قانون ۱۹۹۸ جرم و بی‌نظمی نیست و تدارکی کارآمد بوده که برای عمل کردن به‌عنوان عامل بازدارنده در برابر تخلف در آینده طراحی شده است و درعین حال، پیامدهای مجرم‌بودن را به حداقل می‌رساند.

۳-۳. تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات^۱

با توجه به ماده ۹۰ قانون مجازات اسلامی و همچنین صراحت ماده ۹۴ این قانون، «دادگاه می‌تواند در مورد تمام جرائم تعزیری ارتكابی توسط نوجوانان، صدور حکم را به تعویق اندازد یا اجرای مجازات را معلق کند». اولاً اینکه به موجب نص ماده، نوجوانان از این تصمیم بهره‌مند می‌شوند و ملاک برای آغاز دوره نوجوانی نیز سن بلوغ تعیین شده است و با تمام شدن ۱۸ سال شمسی، این دوره اتمام می‌یابد. نکته دیگر اینکه به نظر مقنن تعیین این نهادها فقط در جرائم تعزیری ممکن است. این در حالی است که در جرائم مستوجب حد یا قصاص با عارض شدن شرایط شبهه ممکن بود که تصمیمات ماده ۸۸ یا مجازات‌های ماده ۸۹ تعیین گردد (به‌عنوان مثال خدمات عمومی) که برخی ممکن است به نحوی خفیف‌تر از موارد تعویق و تعلیق باشند. بنابراین این رویکرد دوگانه قابل توجیه نیست؛ مضاف بر اینکه اگر شرایط شبهه‌ای وجود داشته باشد، رویکرد قانون‌گذار ناظر به تعیین پاسخ‌های خفیف‌تر از حد و قصاص است؛ حال خواه این پاسخ‌ها با اعمال نهاد ارفاقی تعویق باشند یا تعلیق. یگانه دلیلی که برای صرف اشاره به جرم تعزیری در ماده ۹۴ وجود دارد، عدم امکان تعویق و تعلیق در جرائم غیرتعزیری و تعزیری منصوص است.^۲

در حقوق کیفری انگلستان ماهیت عمده نهادها و قرارهای مورد استفاده، به شکلی است که حکم اصلی تا مدتی به تعویق می‌افتد و شاید بتوان قرارهای نظارت‌مدار را در قالب تعویق نیز دسته‌بندی نمود. در حالی که در خصوص تعلیق مراقبتی در این کشور، مجرم ۱۶ ساله یا بیشتر می‌تواند موضوع قرار تعلیق مراقبتی برای مدتی از ۶ ماه تا ۳ سال واقع شود. هر مجرم باید به وسیله یک مأمور تعلیق مراقبتی نظارت شود؛ لیکن دادگاه می‌تواند هر شرط دیگری که مناسب بداند، از جمله در خصوص محل اقامت، نوع فعالیت‌ها، حضور منظم در یک مرکز تعلیق مراقبتی و مداوای روانی یا ترک اعتیاد را در قرار خود اضافه نماید. مراکز روزانه تخصصی که محکومین مشمول تعلیق مراقبتی باید تا ۶۰ روز به آنجا مراجعه کنند نیز در تعدادی از محله‌های شهرها موجود است. حدود ۸۰ درصد از قرارهای تعلیق مراقبتی به‌طور رضایت‌بخشی اجرا می‌شود (مهرا، ۱۳۹۳: ۱۵۴). بنابراین اطفال و نوجوانان حداکثر تا ۱۷ سال ممکن است به مدت حداکثر ۳ سال موضوع قرار نظارت

۱. قرارگرفتن این تصمیمات ارفاق‌آمیز در کنار پاسخ‌های اجتماعی از این جهت است که می‌توان اعمال برخی دستورات متضمن پاسخ‌های اجتماعی را حین اعمال این تصمیمات تعیین نمود.

۲. وقتی در تبصره ۲ ماده ۱۱۵، تعزیرات منصوص شرعی از شمول ماده ۹۴ خارج شده‌اند، به طریق اولی حدود و قصاص هم خارج‌اند.

که معادل تعلیق مراقبتی است، واقع شوند که نظارت‌کننده یا یک مأمور مراقبت یا یک مقام محلی، یعنی مددکار اجتماعی در اجرای آن مساعدت می‌نماید. یک سلسله شرایط مربوط به مسکن و نوع فعالیت‌ها نیز ممکن است در قرار ذکر شوند.

آنچه مشخص است اینکه در حقوق انگلستان نیز فقط نوجوانان بزهکار مشمول این نهاد مراقبتی تعلیق می‌شوند. در حقوق ایران نیز این تصمیمات ارفاق‌آمیز قضایی در رابطه با نوجوانان تعیین می‌گردد. نکته دیگر اینکه در حقوق ایران قرارهای تعویق و تعلیق در مواردی به شکل ساده و در مواردی به شکل مراقبتی صادر می‌شوند. آنچه موضوع تعویق و تعلیق قرار می‌گیرد، همان تصمیمات و مجازات‌های مقرر در مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مجازات اسلامی می‌باشند. یکی از تصمیمات مقرر در ماده ۸۸، در قالب بند (ت) و اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم است که همین تصمیم می‌تواند در خصوص اطفال و نوجوانان ۹ تا ۱۵ سال و در قالب تعویق یا تعلیق ساده و به موجب بند (الف) ماده ۴۱ تنها با اخذ تعهد کتبی صادر گردد.^۱ درباره نوجوانانی که بین ۱۵ تا ۱۸ سال دارند، به دو صورت مراقبتی و ساده می‌توان مجازات‌های موضوع ماده ۸۹ (نگهداری در کانون، جزای نقدی، خدمات عمومی رایگان و اقامت در منزل یا حبس پایان‌هفته‌ای را شامل می‌شود) را معوق یا معلق نمود.

نتیجه

در حقوق کیفری انگلستان، پاسخ‌هایی که جنبه اجتماعی دارند، در قالب قرارهایی برای اطفال و نوجوانان بزهکار صادر می‌گردند؛ از قبیل قرارهای نظارت‌مدار، قرار بازپذیری اجتماعی، قرار مجازات اجتماعی، قرار برنامه اقدام، قرار حضور در مراکز خاص، قرار ارجاع، قرار جبران خسارت، پرداخت جریمه و همچنین تصمیمات ارفاق‌آمیز قضایی، مانند آزادی مشروط و آزادی بدون قید و شرط. در حقوق این کشور رویکرد اجرایی به تعیین چنین پاسخ‌ها و تصمیمات ارفاق‌آمیزی بسیار نظام‌مند و منظم اجرا می‌شود و برای هرکدام از قرارها ضمانت‌اجراهایی نیز تعیین می‌گردد که گاه خود پاسخ مستقل دیگری است. در این پاسخ‌های اجتماعی و تصمیمات ارفاق‌آمیز، تلاش به نحوی است که الگوی مجرمانه و تعارض با قانون از سوی طفل و نوجوان خنثی گردد و به همین دلیل قرارها عمدتاً آموزشی، نظارتی و مراقبتی هستند.

در قانون مجازات اسلامی برای اطفال و نوجوانان بزهکار، مصادیق پاسخ‌های اجتماعی و تصمیمات ارفاق‌آمیز قضایی ناظر به آنان در چهار دسته پیش‌بینی شده است: دسته اول، بندهای الف

۱. الف) در تعویق ساده مرتکب به طور کتبی متعهد می‌گردد، در مدت تعیین شده به وسیله دادگاه، مرتکب جرمی نشود و از نحوه رفتار وی پیش‌بینی شود که در آینده نیز مرتکب جرم نمی‌شود.

تا پ ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی، یعنی تسلیم به والدین یا اولیا یا سرپرست قانونی، تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگر، نصیحت به وسیله قاضی دادگاه، اخطار و تذکر یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم. در این دسته از تصمیمات نوین، نحوه اعمال، ضمانت اجرا و مقام صالح ناظر، پیش‌بینی نشده و از این حیث واجد اشکال است؛ دسته دوم، دستورات اختیاری قابل تعیین در بندهای الف و ب ماده ۸۸ هستند که مهم‌ترین پاسخ‌های اجتماعی و در عین حال بی‌ضابطه‌ترین آن‌ها می‌باشند؛ زیرا اولاً صدور این دستورات، اختیاری هستند و ثانیاً نوعی دستور تکمیلی بر تصمیم مبتنی بر تسلیم طفل یا نوجوان بزهکار می‌باشند. در همین خصوص، ایرادی که وجود دارد این است که فقط در خلال تسلیم می‌توان به آن‌ها متوسل شد و در مواردی مانند نصیحت نمی‌توان چنین دستوراتی را مورد استفاده قرار داد؛ دسته سوم همان مجازات‌های ناظر به نوجوانان است که در ماده ۸۹ برای برخی جرائم تعزیری قابل اعمال هستند؛ مثل انجام خدمات عمومی، حبس پایان‌هفته‌ای و اقامت در منزل؛ دسته چهارم نیز به موجب ماده ۹۰ و ۹۴ قانون مجازات اسلامی تدابیری هستند که به‌عنوان تصمیمات ارفاق‌آمیز قضایی و در مقام جایگزینی برای تصمیمات و مجازات‌های مقرر در مواد ۸۸ و ۸۹ در قالب مصادیق تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط قابل ذکر می‌باشند.

لزوم تأکید بر اصلاح و بازپروری و همچنین جلوگیری از تکرار بزهکاری و رفتار معارض با قانون رسالت‌های مهمی هستند که باید در تعیین پاسخ‌های اجتماعی مدنظر قرار گیرند. بنابراین با توجه به اینکه برخی از این دستورات نه تنها از فرایند برچسب‌زنی می‌کاهد، بلکه باعث می‌گردد که طفل یا نوجوان به احترام به هنجارها را بیاموزد؛ لذا می‌توان پیشنهاد داد که مقنن به شکلی منظم‌تر و با پیش‌بینی امکان صدور غیراختیاری پاسخ‌های اجتماعی مقرر در تبصره بند (الف) ماده ۸۸ گام بردارد. همچنین باید مدنظر قرار داد که صرف پیش‌بینی اختیاری و کلی برخی از پاسخ‌های اجتماع‌مدار برای سیاست جنایی قضایی، تعبیر به عدم استفاده می‌شود و مقامات قضایی کمتری به آن متوسل می‌شوند. علت این امر نیز جدای از مشکلات و بسترهای قضایی و اجرایی، خود به ابهامات قانونی نیز مرتبط است؛ ابهاماتی که در نهادهای ارفاق‌آمیز قضایی مثل آزادی مشروط، تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات مشاهده می‌شود. همچنین لازم است به این نکته اشاره شود که با توجه به امکان استفاده نامناسب و زیاد از پاسخ‌های اجتماعی که ممکن است فلسفه تقنینی آن‌ها را خدشه‌دار نمایند، لازم باشد اعمال این دسته از پاسخ‌ها، با استفاده از بخشنامه‌ها و دستورالعمل قضایی ارشادی میسرتر گردد. در نهایت ذکر این مطلب ضروری است که زمانی اجرای پاسخ‌های اجتماعی به هدف غایی خود دست می‌یابد که در عین برقرار نمودن ضمانت‌اجراهایی مشخص، نهادها، مأموران و به‌ویژه

مددکاران ویژه‌ای را برای اجرای آن اختصاص داد؛ لذا پیشنهاد می‌گردد که تعیین ضابطه‌مند این پاسخ‌های اجتماعی در سیاست جنایی قضایی با تدارک سازگار اجرایی مناسب آن رویه شود تا به نحو مطلوب‌تری به هدف مدنظر در سیاست جنایی تقنینی دست یازیم.

منابع

فارسی

- احمدی، احمد (۱۳۸۵)، روان‌شناسی نوجوانان و جوانان، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات مشعل.
- خواجه‌نوری، یاسمن (۱۳۸۸)، «نقش کیفرهای جامعه‌مدار در پیشگیری از تکرار جرم کودکان»، مجموعه مقالات کارگروه پیشگیری از تکرار جرم و بزه‌دیدگی (با تأکید بر نقش پلیس)، چاپ اول، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی ناجا.
- زراعت، عباس (۱۳۹۲)، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، چاپ اول، تهران: نشر ققنوس.
- شمس‌ناتری، محمد ابراهیم و دیگران (۱۳۹۳)، قانون مجازات اسلامی در نظم کنونی، جلد اول، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- صبوری‌پور، مهدی و فاطمه علوی صدر (۱۳۹۴)، «سن مسئولیت کیفری کودکان و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال ششم، شماره اول.
- معظمی، شهلا (۱۳۹۴)، دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر.
- مهرا، نسرین (۱۳۸۵)، «قوانین و مقررات کیفری ایران در قبال اطفال و نوجوانان بزهکار: حال و آینده»، مجله تخصصی الهیات و حقوق، شماره ۲۰.
- مهرا، نسرین (۱۳۸۶)، «کیفر و چگونگی تعیین آن در فرایند کیفری انگلستان (با تأکید بر کارکردهای کیفر)»، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۵، بهار و تابستان.
- مهرا، نسرین (۱۳۹۰)، عدالت کیفری اطفال و نوجوانان، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- مهرا، نسرین (۱۳۹۳)، دانشنامه حقوق کیفری انگلستان، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- نویهار، رحیم (۱۳۹۱)، «سن و مسئولیت کیفری: بازخوانی نظریه مشهور فقهای امامیه»، پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۶.
- نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۳)، حقوق کیفری کودکان و نوجوانان، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- نیازپور، امیرحسین (۱۳۸۷)، «کارکرد بازپرورانه کیفرهای جامعه‌مدار با تأکید بر لایحه قضایی مجازات‌های اجتماعی جایگزین»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال سوم، شماره ۶.

انگلیسی

- Ashford, M., Chard, A. and Redhouse, N. (2006), *Defending Young People in the Criminal Justice System*, London: Legal Action Group.
- Blakeman, Ian (2014), "THE YOUTH JUSTICE SYSTEM OF ENGLAND AND WALES", in: 139TH INTERNATIONAL TRAINING COURSE, VISITING EXPERTS' PAPERS, RESOURCE MATERIAL SERIES No. 78.
- Bottoms, A. and Kemp, V. (2006), "The relationship between youth justice and child welfare in England and Wales", in M. Hill et al. (eds) *Youth Justice and Child Protection*, London: Jessica Kingsley.

- Crawford, A. and Newburn, T. (2003), **Youth Offending and Restorative Justice: Implementing Reform in Youth Justice**, Cullompton: Willan Publishing.
Crown Prosecution Service (2004), **The Code for Crown Prosecutors**. London: Crown Prosecution Service, available online at: <http://www.cps.gov.uk/publications/docs/code2004english.pdf>
- Diduck, A. and Kaganas, F. (2006), **Family Law, Gender and the State: Text, Cases and Materials** (2nd edn), Oxford: Hart Publishing (ch. 17).
- Earle, R. and Newburn, T. (2002), “Creative tensions? Young offenders, restorative justice and the introduction of referral orders”, **Youth Justice**, 1: 3–13.
- Earle, R., Newburn, T. and Crawford, A. (2003), “Referral orders: some reflections on policy transfer and what works”, **Youth Justice**, 2: 141–50.
- Elliot, R., Airs, J., Easton, C. and Lewis, R. (2000), **Electronically Monitored Curfew for 10- to 15-year-olds– Report of the Pilot**, London: Home Office, available online at: <http://www.homeoffice.gov.uk/rds/pdfs/occ-tagging.pdf>
- Goldson, B. (2000a), “Youth Justice and Criminal Evidence Bill. Part 1. Referrals to youth offender panels”, in L. Payne (ed.) **Child Impact Statements**, 1998/99. London: National Children’s Bureau and Unicef.
- Goldson, B. (2000b), “Wither diversion? Interventionism and the new youth justice”, in B. Goldson (ed.) **The New Youth Justice**. Lyme Regis: Russell House.
- Goldson, B. (ed.) (2008), **Dictionary of Youth Justice**, Willan Publishing
- Haines, K. (2000), “Referral orders and youth offender panels: restorative approaches and the new youth justice”, in B. Goldson (ed.) **The New Youth Justice**, Lyme Regis: Russell House.
- Home Office (2002c), **The Introduction of Referral Orders into the Youth Justice System: Final Report**, Home Office Research Study 242. London: Home Office.
- Jones, R. (2006), **Mental Health Act Manual** (10th edn). London: Sweet & Maxwell.
- Nacro (2005d), **Mental Health Legislation and the Youth Justice System**, Youth Crime Briefing. London: Nacro.
- Nacro (2004), **The Referral Order: A Good Practice Guide** (2nd edn). London: Nacro.
- Office of Public Sector Information’s website (<http://www.opsi.gov.uk/acts/acts2000/20000006.htm>) for the text of the Powers of Criminal Courts (Sentencing) Act 2000.
- Office of Public Sector Information’s website (http://www.opsi.gov.uk/acts/acts1989/Ukpga_19890041_en_1.htm#tcon) for the text of the Children Act 1989. The National Society for the Prevention of Cruelty to Children’s bibliography is available online at http://www.nspcc.org.uk/Inform/OnlineResources/ReadingLists/HistoricalPerspectiveOnChildrenInCare/HistoryOfChildrenInCare_asp_ifega_26170.html.

- Walter, I. (2002), **Evaluation of the National Roll-out of Curfew Orders**. London: Home Office, available online at: <http://www.homeoffice.gov.uk/rds/pdfs2/rdsolr1502.pdf>
- Youth Justice Board (2007g), **Youth Justice Annual Statistics, 2005/06**. London: Youth Justice Board (available online at <http://www.yjb.gov.uk/>)
- Youth Justice Board (2004a), **National Standards for Youth Justice Services**. London: Youth Justice Board (available online at: <http://www.yjb.gov.uk/Publications/Scripts/prodView.asp?idproduct=155&eP=PP>).
- Youth Justice Board (2004b), **Guidance Document: Action Plan Order Drug Treatment and Testing Requirement as Part of an Action Plan Order or Supervision Order**, available online at: <http://www.yjb.gov.uk/en-gb/practitioners/CourtsAndOrders/Disposals/ActionPlanOrder/>
- Youth Justice Agency (2007), **Attendance Centre Orders: A Guide for Young People and their Carers**. Belfast: Youth Justice Agency, available online at: http://www.youthjusticeagency.ni.gov.uk/community_services/court_services/